

پیشنهاد ۳

شفاف‌سازی مالی با استانی‌شدن انتخابات



▲ سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس

شفاف‌سازی منابع مالی انتخاباتی نامزدهای انتخابات که در سیاست‌های کلی انتخابات نیز مدنظر قرار گرفته، اقدام شایسته‌ای است؛ چراکه سبب مشخص‌شدن منشأ و مبدا این منابع می‌شود.

به‌طور کلی هرچه نامزدها به دیگران وابستگی کمتری داشته باشند، راحت‌تر می‌توانند تصمیم‌گیری کنند، ولی اینکه با چه راهکاری بتوان هزینه‌های انتخابات را تأمین کرد که جلوی وامدار شدن نامزدها گرفته شود، انتخاب ساده‌ای نیست. برای پیگیری اینکه پولی که نماینده هزینه کرده از کجا بوده و چطور به دست آمده است، ملاحظات را باید در نظر گرفت. نه وزارت کشور، نه شورای نگهبان و نه سازمان‌های دیگر هیچ یک نمی‌توانند به این مقوله ورود کنند، چراکه طبق قانون اصل بر صحت و سلامت است و طبق اصول فقهی و قانون اساسی ما اصل بر «صحت» است. این اصول می‌گویند تا زمانی که خلاف صحت چیزی ثابت نشده، آن کار صحیح است.

اصل «ظاهر» نیز می‌گوید، اگر پولی را در اختیار کسی دیدی، ظاهر امر این است که آن پول متعلق به خود اوست. اصل «برائت» هم بر این موضوع تأکید دارد.

این‌ها اصولی است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

اینکه این پول‌ها برای تبلیغات از کجا آمده است، نیاز به کار قضایی دارد. راهکار این است که فرضیه‌ای در نظر گرفته شود که هر نماینده در هر حوزه انتخابیه تا چه میزان بتواند هزینه تبلیغات کند و بعد آن، وزارت کشور، استانداری یا فرمانداری‌ها براساس تبلیغات و اقدامات انجام‌شده برآورد کنند چقدر هزینه شده است و اینکه آیا تبلیغات صورت گرفته متعارف بوده است یا نه.

متأسفانه گاهی مبالغی در این میان رد و بدل می‌شود که قابل اثبات نیست و مثلاً نامزدی در دوره مسئولیت اشخاصی را تغذیه مالی می‌کند و آن افراد هم در زمان انتخابات از وی حمایت می‌کنند. باید از تجربیات کشورهای پیشرفته در زمینه ایجاد سازوکارهای شفافیت مالی استفاده کنیم. پیشنهاد بعدی من مربوط به اصلاح قانون انتخابات است.

اگر انتخابات را به سمت و سوی ببریم که جزیره‌ای برگزار نشود، جلوی بسیاری از فسادهای مالی انتخاباتی گرفته می‌شود.

چراکه فرد هر چقدر هم که نخواهد برای انتخابات هزینه کند، درنهایت می‌تواند یک محدوده جغرافیایی کوچک را تحت تأثیر قرار دهد. شاید در یک شهر کوچک بتوان با اتسکا به پول و قدرت و نفوذ رای آورد ولی در یک استان نمی‌توان آنقدر پول صرف کرد که سبب رای‌آوری شود.

وقتی انتخابات استانی شود، نفوذپذیری فرد کاهش می‌یابد؛ همچنین وقتی انتخابات استانی شد شیوه تبلیغات نیز تغییر خواهد کرد. در انتخابات در حوزه‌های انتخابیه کوچک نامزد مجبور است به مساجد و مدرسه و دانشگاه‌ها برود و پوستره‌های کاغذی پخش کند که هزینه زیادی می‌خواهد، ولی اگر انتخابات استانی شود، از طریق شبکه‌های استانی برنامه‌های نامزدها معرفی می‌شود و چون این شیوه تبلیغات برای همه یکسان است، جلوی سوءاستفاده‌ها گرفته می‌شود و عدالت هم برقرار می‌شود.

حزب به مثابه دانشگاه سیاسی


داریوش قنبری

نمایندمجلس در دوره‌های هفتم و هشتم

شوراهای اسلامی در تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه‌های مربوطه، راهکارهایی در نظر گرفته شده است.

یکی از مسائلی که قطعاً باید در این تراز شایسته به آن توجه شود، تخصص و دانایی نامزدهاست؛ به عبارت دیگر باید معیارهای مناسبی برای گزینش دانایان در نظر گرفته شود. موضوع دوم جدا کردن انتخابات از مسائلی مانند ثروت و امکانات مادی است.

متأسفانه در بسیاری مواقع می‌بینیم که شایستگان به دلیل مسائل مالی، امکان ورود به عرصه را ندارند.

در واقع با توجه به هزینه‌های هنگفت انتخابات، اکنون بسیاری از افراد شایسته و توانمند به دلیل نداشتن امکان تأمین هزینه یا مرتبط نبودن با حامیان مالی نمی‌توانند در انتخابات ورود پیدا کنند یا اگر وارد می‌شوند، توان رقابت برابر را ندارند که این یک نقص جدی است که مانع از شایسته‌سالاری در کشور می‌شود.

موضوع بعد توجه به اصول اصلی انقلاب مانند آزادی، استقلال، جمهوریت و اسلامیت نظام است. من فکر می‌کنم همه اینها در کل زمانی

مورد توجه قرار می‌گیرند و زمینه برای انتخاب افرادی که در تراز جمهوری اسلامی هستند، فراهم می‌شود که حزب به معنای واقعی کلمه در کشور شکل بگیرد. در مجموع انتخابات ما باید به سمت حزبی‌شدن پیش رود.

واقعیت این است که سبک انتخاباتی که مبتنی‌بر انتخاب شخص باشد چنان مناسب نیست و مسائل و مشکلاتی را به وجود می‌آورد. اگر انتخابات به سمت حزبی شدن پیش رود افراد توانمند و شایسته در رقابت‌های درون‌حزبی انتخاب می‌شوند و در مرحله بعد نیز رقابت میان احزاب شکل می‌گیرد.

مهم‌تر از همه این است که در انتخابات مبتنی‌بر تحزب، تعهد به اصول، چارچوب‌ها، منافع و مصالح ملی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. باید به سمتی پیش رویم که جایگاه احزاب را در انتخابات به نحو شایسته تعریف کنیم.

ایزار انتخاب کسانی که در تراز شایسته جمهوری اسلهمی باشند هم همین حزب است که تاکنون در کشور مورد توجه قرار نگرفته است. ما بیش از یک قرن سابقه کار حزبی داریم، اما هنوز وضع مناسبی به لحاظ احزاب نداریم.

باید تقویت احزاب نه به شکل شعاری، بلکه در مقام عمل مورد توجه جدی قرار گیرد و سیاست‌هایی تدوین شود که اجازه رشد احزاب را بدهد و موانعی که بر سر راه وجود احزاب چشم می‌خورد، برداشته شود.

انتخابات بدون حزب معنا ندارد.

در مجموع بستر شکل‌گیری احزاب، سیستم‌های انتخاباتی است و از طرف دیگر انتخابات هم روی‌دادی است که به تقویت احزاب می‌انجامد و این دو لازم و ملزوم به حساب می‌آید. موضوع دیگری که در بحث شایستگی نمایندگان

مسئولیت‌پذیری پساانتخاباتی

بسیاری دارد و به‌عنوان یک پیش‌نیاز به‌شمار می‌رود. اگر بخواهیم حضور افرادی متناسب با نیاز دستگاه قانون‌گذاری یا نهادهایی مثل شوراهای خبرگان رهبری داشته باشیم، این افراد باید از درون احزاب شناسایی شوند و روی توان کارشناسی سرمایه‌گذاری شود.

برای نمونه آشنایی با سازوکار قانونگذاری در مجلس از موارد بسیار مهمی است که باید به داوطلبان رقابت بر سر کرسی‌های پارلمان آموزش داده شود، همچنین آنها باید با سازوکار نظارت آشنا شوند تا بتوانند شان نظارتی مجلس در حسن اجرای قوانین را حفظ کنند. نامزدهایی که موفق به کسب رای مردم می‌شوند و به مجلس راه پیدا می‌کنند، پیش از قرار گرفتن در کرسی‌های قوه مقننه باید آموزش‌های لازم را برای مصون نگه داشتن خود از اعمال فشار و نفوذ کانون‌های قدرت و ثروت فراگرفته باشند.

بدیهی است که ارائه چنین آموزش‌هایی وظیفه تشکل‌های سیاسی است و احزاب هستند که باید نیروهای وابسته به خود را چنان تربیت کنند که شایسته تصدی سمت‌های انتخابی باشند.

در این میان نکته جالب توجه در سیاست‌های کلی‌ای که تاکنون تصویب شده، آن است که در یکی از بندها هدف از ارتقای مشارکت احزاب مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت عنوان شده است. معتمدقوتی افراد بخواهند براساس هویت تشکیلاتی خود در انتخابات حضور پیدا کنند هم امکان ارزیابی آنان برای مردم افزایش می‌یابد، هم تخریب‌ها روی آنها کمتر تأثیر می‌گذارد زیرا جامعه شناخت اجمالی

شفافیت‌منابع مالی انتخابات،نیازمندقانون

#

جعفر قادری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس معتقد است، شفاف‌شدن منابع مالی تبلیغات نامزدها در انتخابات مجلس باید تبدیل به قانون شود تا نامزدها درباره هزینه‌هایی که برای تبلیغات انتخاباتی انجام می‌دهند، پاسخگو نسوند. نماینده شیراز با بیان اینکه در این قانون باید سقفی برای هزینه تبلیغات انتخابات نیز در نظر گرفته شود، افزود: «این اقدام به‌نفع خود نماینده است و او را از اینکه در معرض اتهام قرار گیرد، دور می‌کند.» به گفته او، اگر مجلس نتواند این مساله را حل‌وفصل کند و در صورتی که نماینده‌ای تخلفی مرتکب شود کل نهاد قانونگذاری کشور زیر سوال می‌رود.

دیدگاه

باید مورد توجه قرار گیرد، این است که منظور از تخصص‌گرایی مدرک‌گرایی نیست.

اکنون شاهد هستیم که توانایی و تخصص نمایندگان در حد مدرک‌گرایی پایین آمده است. کسانی که صاحب پول و قدرت هستند، مسلماً به راحتی می‌توانند برای خود مدرک هم تهیه کنند. داشتن مدرک تحصیلی نمی‌تواند بیانگر سطح تخصص و شایستگی برای افراد باشد. حتی به نظر من مشخص کردن میزان تحصیلات خود معایر با روح دموکراسی در کشور است؛ دموکراسی به این معناست که هر فردی بتواند خود را در معرض رای و انتخاب مردم قرار دهد. این انتخاب‌کنندگان هستند که باید تصمیم بگیرند که چه کسی تخصص، توانایی و شایستگی لازم را دارد و می‌تواند یک نماینده و وکیل مناسب برای آنها در مجلس باشد.

در قانون اساسی حتی برای رئیس جمهوری شدن هم شرط مدرک تحصیلی وجود ندارد. در آن زمان تدوین‌کنندگان قانون اساسی می‌توانستند این شرایط را بگذارند، اما نگذاشتند و این نشان از تعهد تدوین‌کنندگان قانون اساسی نسبت به چارچوب‌های دموکراتیک دارد. از نظر من یکی از کانال‌هایی که افراد متخصص را به وجود می‌آورد، حزب است.

حزب یک باشگاه و دانشگاه سیاسی است که آموزش‌های لازم را برای کادرسازی به افراد ارائه می‌دهد.

بنابراین برای تضمین شایستگی‌های تخصصی نامزدها باید به شکل‌گیری احزاب قدرتمند و توانمند در کشور کمک کرد؛ البته نه آنچنان در کشور ما مرسوم است که باشگاه‌های قدرتی در کشور شکل گرفته‌اند و تنها نام حزب را به یکدیگر می‌کشند.

تحلیل

از سابقه فرد و تشکل متبوعش دارد و فقط می‌ماند ارزیابی برنامه‌های جاری، شعارها و راهکارهایی که برای مشکلات اعلام می‌کنند.

گذشته از این، احزاب در قبال رفتار نامزدهای مورد حمایتشان مسئولیت دارند و این مسئولیت‌پذیری سبب خواهد شد که تشکل‌های سیاسی به نامزدهایشان اجازه ندهند که در رقابت‌های انتخاباتی هر طور که دوست داشتند عمل کنند بلکه باید چارچوب‌هایی را بپذیرند.

در انتخابات غیرحزبی احتمال خرید و فروش آرا، بهره‌گیری از رانت و… بیشتر است، ولی وقتی احزاب بتوانند وارد عرصه انتخابات شوند، مانع از وقوع چنین فسادهایی در عرصه انتخابات می‌شود. افزایش نامزدهای حزبی در انتخابات بر مسئولیت‌پذیری پس از انتخابات هم تأثیر دارد.

احزاب در برابر عملکرد نامزدهایی که معرفی کرده‌اند، متعهد می‌شوند.

احزاب براساس قول و تعهدی که در قبال مردم دارند مجبورند، از نامزد خود پشتیبانی تخصصی کنند تا کارآمدی او به اثبات برسد.

هیچ حزبی نمی‌خواهد. برای یک دوره طعم پیروزی بچشد بلکه خواستار تداوم حضور در قدرت است؛ از این‌رو چون می‌داند که برای انتخابات‌های دیگر هم باید نامزد معرفی کند و از مردم رای بگیرد، تلاش خود را به‌کار می‌گیرد که بر تعهداتش پایبند باشد و مطالبات رای‌دهندگان را پیگیری کند.

همچنین در صورت حزبی‌شدن انتخابات، مردم آسان‌تر می‌توانند مطالبات‌شان را دنبال کنند.

افتتاح حساب انتخاباتی


علیرضا محجوب

نماینده تهران در مجلس وعضو کمیسیون اجتماعی

برای هریک از آنها در نظر گرفته شود که وزارت کشور بتواند روی آن کنترل داشته باشد.

همان‌طور که به هر فرد که خرید و فروش اعطا می‌شود، باید برای هر نامزد هم وزارت کشور کدی در نظر بگیرد که همه هزینه‌های انتخاباتی از طریق همان حساب باشد و کمک‌های انتخاباتی که به کاندیدا می‌شود هم از طریق همان حساب واریز شود تا وزارت کشور در انتهای تبلیغات بتواند حساب‌ها را بررسی کند و کسی نتواند خارج از آن ارقام، پولی برای انتخابات هزینه کند و منابع مالی این هزینه هم مشخص شود.

در صورت اجرای شدن این پیشنهاد، اگر کسی از منابعی خارج از حساب یادشده برای انتخابات هزینه کند، متخلف شناخته می‌شود و با ضمانت اجرایی حقوقی و کیفری روبه‌رو خواهد شد؛ در نتیجه این اقدام مقدماتی برای شفاف‌سازی هزینه‌های انتخاباتی به شمار می‌رود.



نقش احزاب در غربالگری نامزدها

پذیرش حق دفاع احزاب از حقوق داوطلبان، اعضا و طرفداران در مراجع قانونی یکی از مصوبات جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام در بررسی سیاست‌های کلی نظام است. درباره اهمیت تصویب این موضوع باید تأکید کرد که اگر ما طبق قانون اساسی سازوکارهای انتخابات را در کشور به رسمیت

تشکیل و فعالیت احزاب را بپذیرفیم، طبیعی است که سازوکار فعالیت احزاب و فعالیت فراگیر آنها را هم باید به رسمیت بشناسیم. در همه ادوار انتخابات این احزاب هستند که نامزدهای خود را معرفی می‌کنند و مردم سال‌هاست که به فهرست‌های انتخاباتی تشکل‌ها و جبهه‌ها در مقایسه با فهرست‌هایی که ناشی از ائتلاف‌های خلق‌الساعه انتخاباتی است بیشتر اعتماد می‌کنند.

در چنین فرآیندی یک حزب تلاش می‌کند در حوزه‌های انتخابیه اشخاص را معرفی کند که پیگیر مطالبات مردم مبتنی‌بر اساسنامه و اهداف حزب باشند که در ازای چنین فعالیت مسئولانه‌ای انتظار می‌رود وقتی با رد صلاحیت نامزدش روبه‌رو شد یا اینکه اگر در جریان تبلیغات انتخاباتی برای نامزدهای وابسته مشکلاتی به‌وجود آمد، حق خودش بداند که از حق آن نامزد دفاع کند. پیش‌بینی چنین امکانی، بدون تردید، در پیگیری مشکلات انتخاباتی مردم اثرگذار است و به همین دلیل است که چنین سازوکاری اکنون به شیوه‌ای رایج در کشورهایی با سابقه دیرینه در دموکراسی تبدیل شده است و خوشبختانه اکنون مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی انتخابات، این حق را مورد حمایت قرار داده و به تصویب رسانده است.

در بند مصوب دیگری معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است که به نظر من احزاب در این حوزه نیز نقشی اساسی برعهده دارند. بخشی از مسیری که جامعه برای شناخت چهره‌های سیاسی باید طی کند، عملاً در تشکل‌های سیاسی دنبال می‌شود و می‌توان گفت که این تشکل‌ها با معرفی نیروهای شایسته به کمک مردم و نظام می‌آیند. به عبارت دیگر وقتی نظام انتخاباتی به سمت محوریت احزاب پیش رفت، این تشکل‌ها غربالگری اولیه را انجام می‌دهند و نامزدهای فاقد صلاحیت را معرفی نمی‌کنند زیرا در این حالت فقط انتخاب یک شخص مطرح نیست بلکه پای اعتبار یک تشکل در میان است. متقابلاً نیروهای شایسته هم درون احزاب است که تربیت می‌شوند، آموزش می‌بینند، تجربه کسب می‌کنند و به تعبیر آنچه در سیاست‌های کلی انتخاباتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است، به نیروهایی در تراز جمهوری اسلامی تبدیل می‌شوند. وقتی یکی حزب در چارچوب قانون اساسی و قوانین عادی فعالیت می‌کند و نیروهایی را به کار می‌گیرد و با آنها تعامل می‌کند، طبیعی است که نیروهایی که در آن حزب به تدریج رشد می‌کنند و به شایستگی لازم برای نامزدی در انتخابات می‌رسند، نیروهای باکیفیتی باشند که در تراز نظام سیاسی کشور قرار دارند. این دسته از نامزدها با فرد ناشناخته‌ای که جامعه شناختی از او ندارد و به یکباره وارد عرصه انتخابات می‌شود یا کسانی که با هزینه پول و زد و بندهایی می‌خواهند رای بگیرند، تفاوت چشمگیری دارند. بر این اساس احزاب می‌توانند مسیر را برای مردم کوتاه کنند، به‌نظام‌مند شدن فرآیند انتخاب‌شدن باری برسانند و از این منظر به ارتقای نظام سیاسی کشور کمک کنند.

تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشکل‌های سیاسی قانونی، یکی دیگر از بندهای مصوب مجمع تشخیص است که مطابق با حقوقی است که در قانون اساسی و قوانین عادی برای احزاب در نظر گرفته شده است. اگر این حقوق را نادیده نگیریم و رعایت کنیم راه برای فعالیت احزاب هموار می‌شود. بدون طبق قانون اجازه تشکیل جمعاعات و داشتن نشریه دارند و همچنین اجازه دارند که مجامع عمومی خودشان را برگزار کنند. اگر چنین اجازه‌ای به آنها داده شود، به‌طوری که حتی نیروهای خودسر هم نتوانند موانعی در این زمینه ایجاد کنند، احزاب به‌طور طبیعی در سراسر کشور فعال می‌شوند و باطبقات اجتماعی که پایگاه آنها است ارتباط برقرار می‌کنند که این رویکرد میزان مشارکت مردم در انتخابات را افزایش می‌دهد، بدون اینکه هیچ هزینه‌ای برای مردم به دنبال داشته باشد. وقتی یک حزب تجمعی تشکیل می‌دهد و از مراجع مسئول مجوز انجام دهد پس هزینه سیاسی و امنیتی برای نظام نخواهد داشت، بلکه در آگاهی‌شدن مردم برای شریک‌شدن در سرنوشت‌شان کمک می‌کند. اما وقتی به احزاب اجازه فعالیت ندهند و این فضا را برای آنها مهیا نکنند و اجازه ندهند از حقوق‌شان استفاده کنند، سازوکارهای غیرقانونی، غیرشفاف و زیرزمینی در جامعه برای ایفای نقش سیاسی و اجتماعی دنبال می‌شود که این به ضرر همه خواهد بود.

بند دیگری از سیاست‌های کلی که مرتبط با احزاب است پذیرش نقش آنان در سالم‌سازی رقابت انتخاباتی داوطلبان است. به‌طور طبیعی، وقتی یک نامزد با یک مانیفست مشخص حزبی وارد عرصه رقابت می‌شود، امکان ارزیابی اهداف او نیز برای جامعه بیشتر می‌شود. گذشته از این، وقتی اشخاص شناخته‌ام‌دار و با هویت سازمانی شناخته‌شده وارد عرصه انتخاباتی می‌شوند، قضاوت مردم نیز آسان‌تر می‌شود و به دلیل وجود هویت مشخص، امکان تخریب از یک‌سو و امکان تغییر غیرواقعی از سوی دیگر و در نتیجه برهم زدن فضای سالم انتخاباتی به حداقل کاهش پیدا می‌کند. پس از انتخابات نیز اگر هر یک از نامزدهای حزبی رای بیآورند، مردم می‌توانند براساس شعارهایی که داده‌اند از حزب حامی وی مطالبات خود را پیگیری کنند. ولی اگر او نامزدی حزبی نباشد کسی غیر او، پاسخگوی مطالبات مردم نخواهد بود؛ همچنین این امکان وجود دارد که افراد یا حتی جریان‌هایی بدون شناسنامه با سازوکارهای ناسالم و غیرشفاف مردم را فریب دهند.

اگر طبق

قانون اساسی سازوکارهای انتخابات را بپذیرفیم، طبیعی است که سازوکار

فعالیت احزاب و فعالیت فراگیر

آنها را هم باید به رسمیت

بشناسیم